

## از طلای ارمنکو تا طلای رضا زاده

سپهر سالور

info@rokhdarrokh.com

پرده اول: شنبه ۹ آبان ۸۳ - سالن کازینو، کالویا، مایورکا

مراسم توزیع جوایز تیم های برتر المپιάد سی و ششم شطرنج تمام شده و فاتحان مدال در حال پایین آمدن از جایگاه هستند. اوکراینی ها سر از پا نمی شناسند. آنها از سال ۹۲ به این سو اولین تیمی هستند که روسیه را پشت سر خود می بینند. امروز روز جشن ملی اوکراینی ها است.

آن سوی سالن در طبقه بالا و در جایگاه تماشاچیان فرناندو ۱۰ ساله کنار هم مدرسه ای های خود روی صندلی نشسته و مراسم اختتامیه المپιάد را دنبال می کند. شاگردان مدرسه والدانو بارسلون این فرصت استثنایی را پیدا کرده اند تا در مراسم اختتامیه پرشکوه ترین رویداد شطرنج جهان شرکت کنند. گوینده سالن برنامه بعدی را اعلام می کند: "معرفی بازیکنان برتر میزهای شش گانه". فرناندو رو به آنتونیو می کند و درحالی که هیجان و شادمانی در چهره اش موج می زند، می پرسد: "فکر می کنی مدال طلای میز یک به کی می رسه؟ من حاضرم شرط ببندم آناند طلا می گیره. اون شایسته ترین بازیکن المپιάده. من عاشق بازیهای هستم. فکر نمی کردم یه روز از نزدیک بتونم ببینمش." آنتونیو که در کنار مربی تیم نشسته و سعی می کند برتری خودش را در زمینه اطلاعات شطرنج نیز به رخ همشاگردی کوچک تر خود بکشد، با لحنی ناشی از غرور و اطمینان می گوید: "اشتباه نکن. مگه ندیدی اوکراین جام قهرمانی رو گرفت. ایوانچوک روی میز یک اونها ۱۳ تا بازی کرد و ۹,۵ امتیاز آورد. هند با آناند فقط تونست ششم بشه. ولی ایوانچوک عامل اصلی قهرمانی اوکراین بود. اون امسال فوق العاده بازی کرد. حتی موروزویچ و رجبوف رو برد. مسلمه که مدال طلا رو به اون می دن." صدای گوینده سالن گفتگوی دو هم مدرسه ای را قطع می کند: "برنده مدال طلای میز یک - یوگنی ارمنکو از فلسطین." "فلسطین؟! آنتونیو فلسطین دیگه کجاست؟" آنتونیو در حالی که سعی می کند ناراحتی خود را از پیش بینی اشتباهش پشت چهره بهت زده خود پنهان کند، بهترین راه یعنی سکوت را برمی گزیند. اما حس کنجکاوی فرناندو آرام نمی گیرد. او دست به سوی کوله پشتی خود می برد و بولتن دور آخر مسابقات را که هنگام ورود به سالن بین حاضران توزیع شده بود باز می کند، صفحه ای که مربوط به رده بندی نهایی تیم ها بود پیدا می کند و یک نگاه آن می اندازد. آنتونیو هم در این لحظه به او می پیوندد. آن دو ۵۰ تیم اول را که نامشان در صفحه نخست درج شده مرور می کنند. برای با دوم، سوم و حتی چهارم. اما نامی از فلسطین به چشمشان نمی خورد.

ارمنکو آرام آرام از پله ها بالا می رود و روی سکو مدال خود را از دست شهردار مایورکا دریافت می کند. چهره او هیچ شباهتی به سوپر استارهای دنیای شطرنج ندارد. فرناندو و آنتونیو، حتی مربی آنها الکساندر نیز اولین بار است که ارمنکو را می بینند.

فرناندو درحالی که انتظار داشت شطرنج باز محبوبش آناند را روی سکو ببیند و از نرسیدن به آرزویش غمگین است، زیر لب می گوید: 'این دیگه کیه؟' آنتونیو هم که دیگر اثری از غرور در چهره اش دیده نمی شود رو به مربی شان می کند و می پرسد: 'میان این همه ستاره روی میز یک، ایوانچوک، موروزویچ، آناند، شیروف، آدامز، ... چرا مدال طلا به این بازیکن ناشناس رسید؟' الکساندر که تا اینجا گفتگوی دو شاگرد خود را پنهانی دنبال می کرد و ترجیح داده بود تا وقتی از او سوالی نپرسند، سکوت کند، به زبان اسپانیایی اما با لحن روسی پاسخ می دهد: 'مدال های میزها در مسابقات تیمی شطرنج مثل المپیادهای جهانی، یک جایزه سمبلیک و به بازیکنی داده می شه که روی میز خودش بیشترین درصد امتیاز رو کسب کرده باشه. این جایزه هیچ ربطی به قدرت بازی و عملکرد شطرنج بازانی که تو اون مسابقه شرکت کردند نداره. بیشتر وقتها جایزه میزها به بازیکنایی از تیم های نسبتاً ضعیف می رسه که نسبت به هم-تیمی های خودشون قدری قوی تر باشند. به خاطر نتایج ضعیف دیگر بازیکن ها، تیم خوب نتیجه نمی گیره و دائم باید پایین جدول مسابقه بده. طبیعتاً بازیکن قوی تر تیم هم باید با حریفان ضعیف روبرو بشه. اون می تونه امتیازات بیشتری کسب کنه و این شانس رو داره که آخر سر روی میز خودش بیشترین درصد امتیازها رو به دست آورده باشه.' الکساندر که اطلاعات کاملی از دنیای شطرنج دارد، ادامه می دهد: 'فلسطین یه کشور کوچیک اشغال شده تو آسیاست و سطح شطرنج پایینی داره. ارمنکو هم یک استاد بزرگ متوسط بلغاری است که چند وقته برای مربی گری به فطسطین رفته و حاضر شده با پذیرفتن تابعیت دوم، برای این کشور تو المپیاد بازی هم بکنه. ریتینگ هم تیمی های ارمنکو ۴۰۰ - ۵۰۰ تا پایین تر از اونه. فلسطین تو طول مسابقات همیشه انتهای جدول با تیم های ضعیف بازی می کرد. ارمنکو به راحتی حریفان خود رو می برد. اون تو خیلی از بازیها تنها کسی بود که برای تیمش امتیاز آورد.'

فرناندو و آنتونیو در حالی که هنوز متعجب به نظر می رسند به فکر فرو می روند.

.....

پرده دوم: دوشنبه ۴ آبان ۸۳ - سالن برگزاری المپیاد شطرنج

چهار بازیکن قرقیز پشت میزهای خود قرار گرفته اند. حریف این دور آنها ایران است. توکتوگونوف مربی و کاپیتان قرقیزستان دلهره عجیبی احساس می کند. نام ایران همچون کابوسی برای مربی و بازیکنان قرقیزستان است. آنها سال پیش را خوب به یاد دارند که در مسابقات تیمی قهرمانی آسیا در هند نتوانستند حتی نیم امتیاز از ایران به چنگ آورند. 'اگه اون نتیجه لعنتی تکرار بشه، تا عصر جدول سقوط می کنیم. اونوقت من هم حتماً ...' توکتوگونوف سعی می کند این افکار پریشان را از ذهن خود دور کند.

سردارور مسابقات شروع بازیهای دور دهم را اعلام می کند. ساعت های سفید به کار می افتد. احسان قائم مقامی و الشن مرادی دو جوان ملی پوش ایران وارد سالن می شوند، محل رقابت ایران با قرقیزستان را پیدا می کنند، با حریفان خود که به احترام آنان بلند شده اند دست می دهند و پشت میز می نشینند. اما آن صلابت و اعتماد به نفس همیشگی در چهره شان دیده نمی شود.

یک ساعت بعد

یک ساعت از شروع مسابقات گذشته، اما از دو بازیکن دیگر ایران خبری نیست. داور بازی که در عین کنجکاو خود را مجاز نمی داند سوالی در این مورد پرسد، ساعت شطرنج میزهای ۲ و ۴ را متوقف می کند و در برگه ثبت نتایج دو علامت + جلوی نام بازیکنان قرقیزستان و دو علامت - مقابل نام محجوب و قربانی ثبت می کند.

مری قرقیزستان متعجب و در عین حال شادمان است. تیم او تا به اینجا ۲ امتیاز به راحتی آب خوردن پیش افتاده و با آنکه روند بازی روی دو میز دیگر حکایت از پیروزی جوانان ایران دارد، اما تساوی ۲ بر ۲ با قدرت بزرگ غرب آسیا، بعد از آن باخت فضاحت بار در هند، یک پیروزی بزرگ است.

پرده سوم: شنبه ۲ آبان ۸۳، هتل محل اقامت تیم ملی ایران، شب قبل از بازی با کرواسی سرخان گولیف سرمربی آذری تیم ملی شطرنج ایران اسامی بازیکنان ایران را برای بار آخر مرور می کند، به پشتی صندلی خود تکیه داده نفس عمیقی می کشد و در نهایت ترکیب قائم مقامی، محجوب، مرادی و قانع را برای دیدار سنگین و دشوار با کرواسی برمی گزیند. اینها آماده ترین نفرات ایران هستند. ترکیب به بازیکنان اعلام می شود، اما شجاعت قانع حاضر به بازی نیست. او ادعا می کند شرایط بازی را ندارد. قانع تا قبل از دور نهم ۴ بازی کرده بود و ۳ امتیاز از پیروزی مقابل بازیکنان ضعیف مغولستان، منتخب معلولان و پرتغال در چننه داشت. او دور سوم هم برابر آمریکا حاضر نشده بود به میدان برود.

گولیف که به ندرت عصبانی می شود، از این تصمیم نابخردانه از کوره به در می رود و با صدای بلند اخطار می دهد: "هرکی مقابل کرواسی بازی کنه دور بعد هم تو ترکیب قرار می گیره." او خوب می داند که شانس پیروزی ایران برابر کرواسی ضعیف است و در صورت باخت به احتمال زیاد دور بعد با یک تیم ضعیف روبرو خواهیم شد. آنگاه همه انتظار دارند در ترکیب قرار بگیرند تا برنده باشند، نه بازنده. گولیف درست حدس زده بود. ایران به کرواسی باخت تا در دور نهم با قرقیزستان، تیمی که در رده بندی اولیه ۲۴ رتبه از ایران پایین تر بود بازی کند.

پرده چهارم: یکشنبه ۱۸ آبان ۸۳، تهران استودیو شبکه خبر

مرتضی محبوب، یکی از ۴ بازیکن معترض ایران در یک برنامه زنده مقابل دوربین قرار گرفته. او همان کت و شلواری را پوشیده که حسین رضا زاده، هادی ساعی و دیگر المپیک‌های ایران در آتن بر تن داشتند. مجری برنامه از محبوب می‌پرسد: "داستان چه بود؟ چرا شما و ۳ هم تیمی دیگر تان از بازی با قرقیزستان امتناع کردید؟" و جواب می‌شنود: "گولیف مربی ما آقای قانع را بدون هیچ دلیلی از ترکیب تیم بیرون گذاشت. شجاعت قانع شانس کسب مدال طلای المپیک را داشت. اون دور آگه بازی می‌کرد می‌تونست مدال باارزش طلای المپیاد رو نصیب ایران کنه. اما مربی و سرپرست تیم اجازه بازی ندادند. ما هم در اعتراض به این تصمیم و در حمایت از آقای قانع به خاطر کشورمان تیم رو ترک کردیم."!!!

استاد بزرگ محمد المضحکی چهره ای آشنا برای شطرنج‌بازان ایران است. وقتی این قطری به عنوان اولین استاد بزرگ غرب آسیا شناخته شد، تعداد شطرنج‌بازان ریتینگ دار هموطنش به رقم انگشتان دو دست هم نمی‌رسید. او در قطر به راستی یک سر و گردن بالاتر از بقیه بود. المضحکی به لطف همین اختلاف سطح ۴ مدال در المپیادهای شطرنج به دست آورد! ۲ طلا و ۲ برنز! اما هیچگاه نام او در رده بازیکنان برتر دنیا قرار نگرفت.

مروری بر برندگان مدال در المپیاد اخیر مایورکا نیز خالی از لطف نیست:

میز ۱: ارمنکو(فلسطین)، رودریگز(اروگوئه)، آدامز(انگلستان)

میز ۲: تیسیر(مراکش)، نگوین(ویتنام)، هاتانباتار(مغولستان)

میز ۳: واگانیان(ارمنستان)، گئورگیف(بلغارستان)، گونزالس(مکزیک)

میز ۴: یوباوا(گرجستان)، کایدانوف(آمریکا)، حسینوف(آذربایجان)

میز ۵: ساکالائوسکاس(لیتوانی)، تمیربائف(قزاقستان)، دگراف(فرانسه)

میز ۶: کاریاکین(اوکراین)، چهارانی(لیبی)، برمودز(پورتوریکو)

جالب است! از ۱۸ بازیکن ۳ تیم برتر المپیاد تنها ۲ بازیکن مدال انفرادی گرفتند! و باز جالب تر اینکه روی میز بحث برانگیز پنجم، کوشانی، بازیکن بدون ریتینگ افغانستان با ۷ امتیاز از ۹ بازی و عملکرد ریتینگ ۱۸۵۴ به طور مشترک در جای سوم قرار گرفت! درحالی که الیانوف از اوکراین با عملکرد ۲۵۷۳ هفتم شد و همین شجاعت قانع خودمان با عملکرد ۲۳۵۶ بیست و هفتم!

دو سال به عقب بازمی‌گردیم. المپیاد اسلونی شاهد بازگشت گری کاسپاروف نابغه شطرنج جهان به ترکیب تیم ملی روسیه بود. کاسپاروف در آن المپیاد با عملکرد ریتینگ ۲۹۳۳ نمایشی بی نظیر داشت و روسیه به لطف درخشش فوق ستاره میز یک خود، بار دیگر بر سکوی قهرمانی ایستاد. اما اگر می‌پندارید کاسپاروف با آن عملکرد خیره کننده مدال طلای میز یک را تصاحب کرده، سخت در اشتباه هستید. صاحب مدال طلا کسی نبود جز آقای گوازه از زیمباوه آن هم با عملکرد ۲۲۹۳! کاسپاروف حتی برنز هم

نگرفت، چراکه نقره نصیب یک شطرنج‌باز لوکزامبورگی شد و المضحکی آن سال برنز بر گردن به خانه رفت!

اهمیت کم مدال انفرادی در مسابقات تیمی برای شطرنج‌بازان و مربیان آشکار است. بسیاری از بازیکنان حاضر هستند مدال انفرادی خود را فدا کنند تا تیمشان بهتر نتیجه بگیرد و یکی دو پله در جدول بالاتر بایستد. نمونه در این مورد بسیار است. در همین المپیاد اخیر واسیلی ایوانچوک سکان دار تیم اوکراین ۵ بازی اول خود را برد. یک شروع توفانی. نایب قهرمان سابق جهان می توانست تا پایان رقابتها به استراحت پردازد و تنها در چند دور که حریفانش چندان قوی به نظر نمی رسیدند و به راحتی از پس آنها بر می آمد در ترکیب تیم بازی کند. اما هم او و هم مربی او اهمیت نتیجه تیمی را می دانستند. ایوانچوک بعد از ۵ برد پیاپی نه تنها صحنه را خالی نکرد، بلکه ۸ بار دیگر برای کشورش به میدان رفت و در نهایت گرچه مدال انفرادی را به ارمنکو سپرد، اما جام قهرمانی را برای هموطنانش به ارمغان برد! آری، شجاعت قانع دوست نداشت با استادان آمریکا و کرواسی دست و پنجه نرم کند. او دلش می خواست با حریف قرقیزی روبرو شود تا شاید روز آخر یکی از مدال های میزش را در دست ببیند. ۳ یازیکن دیگر ماهم دوست داشتند شجاعت مدال بگیرد، اما دلشان نمی خواست تیم ملی ایران چند پله در جدول بالاتر برود. آنها ترجیح دادند میزهای خالی ایران برابر حریف را همه ببینند و این صحنه بی سابقه برای همیشه در تاریخ ثبت شود.

گرچه ارزش ناچیز مدال انفرادی مسابقات تیمی بر هرکس که اندک شناختی از شطرنج و قوانین آن دارد، پوشیده نیست، اما شاید بتوان با تبلیغ و هیایو مدال طلای میز ۵ المپیاد را برای کسانی که از این وادی به دور هستند تا حد مدال طلای رضازاده ها پر رنگ جلوه داد و از این راه ....